

تنها مسیر برای زندگی بهتر ۱۴

**پناهیان: آدم گاهی باید برای زندگی بجنگد! اگر امروز برای زندگی تلاش نکنی، فردا مجاهد فی سبیل الله نخواهی شد / انقلابی گری یعنی دفاع از زندگی / امام صادق (ع): شایسته ترین افراد برای بهره مندی از دنیا، خوبان هستند نه فجّار! / دنیای بهتر زندان مؤمن است، چون آخرت خیلی بهتر است! +صوت**

برخی می گویند: «این حرف های شما درباره زندگی بهتر موجب می شود که جوان ها دنبال مال دنیا و ثروت بروند!» خُب بروند؛ چه اشکالی دارد که جوان های ما با کار و تلاش خودشان، ثروتمند شوند؟! مگر ثروتمند شدن گناه است؟! مگر وظیفه شرعی شان نیست؟ امیرالمؤمنین (ع) در آن سال هایی که مشغول باغداری بودند، دارایی هایشان بسیار فراوان بود، به طوری که نقل کرده اند زکات اموالشان بیش از چهل هزار دینار می شد. این سبک اعتراض ها نسبت به بحث زندگی، سخیف و «حسن بصری مآبانه» است.

**پناهیان: ما پشت ادبیات دوران مظلومیت انقلاب گیر نکرده ایم! دوران مظلومیت انقلاب گذشته و دوران اقتدار انقلاب و اسلام فرارسیده است. اگر آنها بخواهند به تفریح گاه های ما هم بمب بزنند، ما نابودشان می کنیم. ما زندگی را دوست داریم، چه کسی گفته است که مؤمنین و انقلابیون اهل زندگی نیستند؟! انقلابی گری یعنی دفاع از زندگی. طبق روایت، اگر من در وقت لازم جهاد نکنم، خدا مرا فقیر خواهد کرد و جدای از فقر، به من ذلت خواهد داد.**

حجت الاسلام علی رضا پناهیان که در رمضان گذشته با موضوع «[تنها مسیر راهبرد اصلی در نظام تربیت دینی](#)» سخنرانی کرد و مورد استقبال جوانان قرار گرفت، امسال قرار است به مدت ۳۰ شب در مسجد امام صادق (ع) میدان فلسطین به موضوع «**تنها مسیر برای زندگی بهتر**» بپردازد و به سوال «چگونه یک زندگی بهتر داشته باشیم؟» پاسخ دهد. در ادامه فرازهایی از **چهاردهمین جلسه** این سخنرانی را می خوانید:

**زندگی بهتر یعنی زندگی پرتلاش و سرشار از مبارزه / آدم گاهی باید برای «زندگی» بجنگد!**

- دومین ویژگی زندگی بهتر، تلاش و مبارزه است. جلسه قبل درباره «تلاش» برای زندگی بهتر صحبت کردیم و در این جلسه می خواهیم درباره «مبارزه» و جنگیدن برای زندگی بهتر صحبت کنیم. شخصی از امام صادق (ع) پرسید: آیا انسان می تواند برای دفاع از مالش بجنگد؟ حضرت فرمودند: رسول خدا (ص) فرمود: کسی که در دفاع از مالش کشته شود، شهید است. (عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ عَنِ الرَّجُلِ يُقَاتِلُ دُونَ مَالِهِ؟ فَقَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَ مَنْ قُتِلَ دُونَ مَالِهِ فَهُوَ بِمَنْزِلَةِ الشَّهِيدِ؛ کافی/ ۵۲/۵) این فرمایش رسول خدا (ص) در آن زمان خیلی معنی دارد. یعنی همانطور که یک نفر انقلابی که با دشمنان دین و دشمنان اسلام می جنگد و کشته می شود، شهید است، کسی هم که برای دفاع از زندگی و مالش می جنگد، او هم شهید است. در روایت دیگر امیرالمؤمنین (ع) می فرماید: خدا دشمن می دارد مردی را که دزد به خانه اش بیاید، اما با او نجنگد. (إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَيَمُقَّتُ الرَّجُلَ يَدْخُلُ عَلَيْهِ اللَّصُّ فِي بَيْتِهِ فَلَا يُحَارِبُ؛ کافی/ ۵۱/۵)

- بله، آدم گاهی باید برای زندگی بجنگد. یک وقت فکر نکنید که انقلابیون فقط شعارهای آرمانی و آسمانی می دهند و به زندگی کاری ندارند! کسی حق ندارد زندگی تو را بگیرد. اگر تو حاضر بشوی قطعه ای از زندگی ات به ظلم از دستت برود (البته نه پیش برادر دینی خودت که بزرگوارانه گذشت می کنی بلکه پیش دشمنان ملت خودت) خدا تو را در دنیا و آخرت نابود خواهد کرد. یعنی آن بلایی که باید، بر سرت خواهد آورد که روزی صد مرتبه آرزوی مرگ کنی!

• مؤمن حق ندارد از زندگی‌اش بگذرد. البته وقتی ما در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که یک مشکلاتی در آن وجود دارد و همه با هم داریم به‌خاطر مصالحی، این مشکلات را تحمل می‌کنیم، این بحث دیگری است. و گاهی نیز در مقابل یک برادر دینی، یک فامیل و یا یک آدم نادان، گذشت می‌کنی و کوتاه می‌آیی؛ این هم اشکالی ندارد. اما کسانی که دشمنان دین و ملت تو هستند، اگر بخواهند به زندگی تو دستبرد بزنند، باید در مقابل آنها محکم بایستی و آنها را نابود کنی و الا خدا تو را نابود خواهد کرد. باید حواس‌مان باشد که زندگی محل نبرد است.

• گاهی اوقات در رفتارهای درون جامعه دینی هم باید حواس‌مان به زندگی باشد. یک نفر بود که سر صف آب، دیگران را هل می‌داد و می‌خواست خودش را جلو بیندازد. امیرالمؤمنین (ع) یقۀ او را گرفت و او را محکم به زمین کوبید و به او فرمود: این برخورد را با تو انجام دادم که یادت باشد دیگر سر صف، کسی را هل ندهی! (ذَکَرُوا أَنَّهُ عَ تَوَضَّأَ مَعَ النَّاسِ فِي مِيضَاةِ الْمَسْجِدِ، فَزَحَمَهُ رَجُلٌ فَرَمَى بِهِ، فَأَخَذَ الدَّرَّةَ فَضْرَبَهُ، ثُمَّ قَالَ لَهُ: لَيْسَ هَذَا لِمَا صَنَعْتَ بِي، وَ لَكِنْ يَجِيءُ مَنْ هُوَ أضعْفُ مِنِّي، فَتَفَعَّلُ بِهِ مِثْلَ هَذَا، فَتَضْمَنُ؛ اختصاص شیخ مفید/۱۵۹)

### آدم باید نسبت به زندگی تعصب و غیرت داشته باشد/ ثروت‌گریزی و دنیاگریزی غیرمنطقی در دین نیست

• آدم باید نسبت به زندگی یک تعصب و غیرتی داشته باشد. ثروت‌گریزی، دنیاگریزی و زاهدانه بودن غیرمنطقی اصلاً در دین ما وجود ندارد.

• در جلسه قبل یک نمونه از کسانی که به سامری امت پیامبر (ص) مشهور هستند را معرفی کردیم؛ کسی که نامش حسن بصری بود. شعار او «لا قتال» بود؛ یعنی «درگیر نشوید!» وقتی به او می‌گفتند که «حجاج بن یوسف ثقفی دارد گروه گروه انسان‌ها را می‌کشد و سر می‌برد» او می‌گفت: شما درگیر نشوید! خودتان را درگیر این مسائل نکنید! (فَكَانَ الْحَسَنُ يَنْهَى عَنِ الْخُرُوجِ عَلَى الْحَجَّاجِ وَ يَأْمُرُ بِالْكَفِّ... قَالَ: وَ اللَّهُ مَا سَطَأَ الْحَجَّاجُ إِلَّا عُقُوبَةً فَلَا تَعْتَرِضُوا عُقُوبَةَ اللَّهِ بِالسَّيْفِ وَ لَكِنَّ عَلَيْكُمْ بِالسَّكِينَةِ وَ التَّضَرُّعِ؛ طبقات الکبری/۱۲۱/۷)

### سامری‌های امت کسانی هستند که وجهه معنوی دارند و شما را از درگیری باز می‌دارند

• جالب اینجاست که امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: هر امتی در هر زمانی، سامری دارد (أَمَا إِنَّ لِكُلِّ قَوْمٍ سَامِرِيًّا؛ احتجاج/۱۷۲/۱) سامری‌های امت چه کسانی هستند؟ کسانی که وجهه معنوی دارند و شما را از درگیری باز می‌دارند. سامری‌ها این‌گونه هستند! و اینها در کلام معصومین معرفی می‌شوند. یکی از این افراد که در روایات به سامری امت مشهور بود، به حدی منفور بود که امیرالمؤمنین (ع) او را در قنوت نمازش لعن می‌کرد. (عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَعْقِلٍ، عَنْ عَلِيٍّ (ع): أَنَّهُ قَنَتَ فِي الصُّحُحِ فَلَعَنَ... وَ أَبَا مُوسَى وَ أَبَا الْأَعْوَرِ وَ أَصْحَابَهُمْ؛ امالی طوسی/۲۲۵)

• از حسن بصری می‌پرسیدند: ما در مقابل این ستمگران چه کار کنیم؟ او می‌گفت: با حاکمان درگیر نشوید، اگر حاکمان آدم‌های خوبی باشند که آنها اجر می‌برند و شما هم شکر می‌کنید، اگر هم آدم‌های بدی باشند، همین‌که خدا دشمن آنهاست کافی است، شما چرا خودتان را درگیر کنید؟! (لَا تَسُبُّوا الْوَلَاةَ فَإِنَّهُمْ إِنْ أَحْسَبُوا كَانَ لَهُمُ الْأَجْرُ وَ عَلَيْكُمْ الشُّكْرُ وَ إِنْ أَسَاؤُوا فَعَلَيْهِمُ الْوِزْرُ وَ عَلَيْكُمْ الصَّبْرُ؛ الخراج لابی یوسف/۲۰/۱) و (وَ اللَّهُ لَوْ أَنَّ النَّاسَ إِذَا ابْتَلُوا مِنْ قِبَلِ سُلْطَانِهِمْ صَبَرُوا مَا لَبِثُوا أَنْ يَرْفَعَ اللَّهُ ذَلِكَ عَنْهُمْ، وَ ذَلِكَ أَنَّهُمْ يَفْرَعُونَ إِلَى السَّيْفِ فَيُوكَلُونَ إِلَيْهِ وَ وَاللَّهِ مَا جَاؤُوا بِيَوْمٍ خَيْرٌ قَطُّ؛ طبقات الکبری/۱۲۱/۷)

- در جریان جنگ جمل هم حسن بصری(ع) مردم را از شرکت در جنگ باز می‌داشت. (علامه خوانساری می‌نویسد: در احادیث شیعه وارد شده حسن از شرکت در جنگ جمل و یاری امیرالمؤمنین علی خودداری کرده و در یکی از غرفه های منزل خود که در بصره بود و به همراهی برخی از دوستان و شاگردانش مخفی شده اظهار داشته بهتر آن است ما به نفع و ضرر هیچ کس از این دو دسته مسلمانان اقدام ننمائیم؛ ترجمه روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات، ج ۳، ص ۲۶۳)

### اولین سخنرانی امام حسین(ع) برای قیام، بحث زندگی بود / مراقب باشیم یک وقت حسن بصری‌ها دین ما را نسازند!

- امام حسین(ع) و یارانش، یکی از کاروان‌هایی که داشت اموالی را از سوی یکی از بلاد اسلامی - برای معاویه می‌برد، را گرفتند و آن اموال را بین مردم تقسیم کردند و اجازه ندادند که این ثروت هنگفت، از گوشه‌ای از ممالک اسلامی به دستگاه ظلمه برسد. و بعد یک نامه‌ای هم نوشتند و به رییس آن کاروان دادند و فرمودند: «این را به صاحب خودت بده و بگو: مال به صاحبانش رسید.»
- شما وقتی سخنان امام حسین(ع) در صحرای منا را مطالعه کنید می‌بیند که تماماً بحث زندگی است. این در واقع اولین سخنرانی امام حسین(ع) برای قیام است که برای هفتصد نفر از صحابه و تابعین بیان کردند، حضرت در آنجا بحث معیشت و زندگی مردم را مطرح کردند و فرمودند: به فقرا رسیدگی نمی‌شود، بیماران درمان نمی‌شوند، امول در بین مردم، درست توزیع نمی‌شود، مشکلات مردم زیاد است... (ثُمَّ أَنْتُمْ أَيُّهَا الْعِصَابَةُ عِصَابَةٌ بِالْعِلْمِ مَشْهُورَةٌ... وَالْعُمَىٰ وَالْبُكْمُ وَالزَّمْنَىٰ فِي الْمَدَائِنِ مُهْمَلَةٌ لَا تُرْحَمُونَ) «تحف العقول/ ۲۳۷-۲۳۸) شما این سخنان معصومین را با دقت بخوانید و مراقب باشید که یک وقت حسن بصری‌ها دین ما را نسازند!

### اگر امروز برای زندگی خودت تلاش نکنی، فردا مجاهد فی سبیل الله نخواهی شد / باید برای زندگی بجنگیم و اجازه ندهیم دشمنان به زندگی ما دستبرد بزنند

- **برای زندگی سخت کوش باش، نسبت به زندگی خودت غیرت داشته باش! دین دارد به تو زندگی می‌دهد، تو اگر متدین هستی باید زندگی‌ات را درست کنی و اگر جامعه تو دینی است باید سطح زندگی را بالا ببرد.**
- اگر دشمنان ما دارند زندگی را از ما می‌گیرند، ما باید برای زندگی بجنگیم و حتی در این راه کشته شویم، ولی اجازه ندهیم که دشمنان به زندگی ما دستبرد بزنند. تو اگر امروز یاد نگیری که برای زندگی خودت تلاش کنی، فردا هم انسان مجاهد فی سبیل الله نخواهی شد که وقتی ببینی دارند به خانه و حریم تو تجاوز می‌کنند، در مقابل آنها بایستی و مبارزه کنی.
- ملت ما و دین ما خوب به جهان معرفی نشده است، و الا غربی‌های بی حیثیت جرأت نمی‌کردند نزدیک انرژی هسته‌ای ما بیایند. این جرأت و پررویی آنها به خاطر تبلیغات نادرستی است که از دین مان ارائه داده‌ایم. مگر آنها جرأت می‌کنند به مقدسات ما حمله کنند؟ حتی به مخیله آنها هم خطور نمی‌کند که بخواهند نزدیک مقدسات ما بشوند. پس چرا به زندگی ما حمله می‌کنند؟ چرا می‌خواهند زندگی را از ما سلب کنند؟ چون می‌دانند که ما «دینی» نسبت به زندگی خودمان غیرت نداریم. ما باید از جنبه دینی به زندگی مان غیرت داشته باشیم.

برخی می‌گویند: با این سخنان ممکن است مردم، دنیاطلب بشوند! چه اشکالی دارد جوان‌های ما با کار و تلاش، ثروتمند شوند؟! مگر ثروتمند شدن گناه است؟!

- بعضی‌ها در مقابل بحث «زندگی بهتر» و این نوع نگاه به زندگی، می‌گویند: «عوارض این بحث شما درباره زندگی این است که ممکن است مردم، دنیاطلب بشوند!» درحالی که گفتگو از هر مفهوم خوبی عوارض دارد. مگر عوارض صحبت کردن از نماز خواندن کم است! اگر ما از نماز خواندن تبلیغ کنیم باز هم ممکن است کسی به دنبال نماز برود ولی بعداً مثل خوارچ بشود! اینکه خطرش برای اسلام، خیلی بیشتر از خطر آدم‌های دنیاطلب است! شما اگر نماز شب یا روزه ماه مبارک رمضان را هم تبلیغ کنید، بالاخره ممکن است عده‌ای افراطی به دنبالش بیفتند! اساساً این سبک اعتراض‌ها نسبت به بحث زندگی، سخیف و «حسن بصری مآبانه» است.

- برخی می‌گویند: «این حرف‌های شما درباره زندگی بهتر - موجب می‌شود که جوان‌ها دنبال مال دنیا و ثروت بروند!» حُب بروند؛ چه اشکالی دارد که جوان‌های ما با کار و تلاش خودشان، ثروتمند شوند؟! مگر ثروتمند شدن گناه است؟! مگر وظیفه شرعی‌شان نیست؟ امیرالمؤمنین (ع) در آن سال‌هایی که کار می‌کردند (مشغول کشاورزی و باغداری بودند) دارایی‌های ایشان بسیار عظیم و فراوان بود، به طوری که نقل کرده‌اند زکات اموال ایشان بیش از چهل هزار دینار می‌شد و در نقل‌های دیگری آمده است که زکات اموال امیرالمؤمنین (ع) برای تمام روزی بنی‌هاشم کفایت می‌کرد و حتی لازم نبود بنی‌هاشم کاری انجام دهند. بعدها یکی از همین باغ‌های امیرالمؤمنین (ع) را معاویه می‌خواست از امام حسین (ع) به ۲۰۰ هزار دینار بخرد، ولی حضرت قبول نکرد. البته اهل بیت (ع) بذل و بخشش‌های بسیار زیادی انجام می‌دادند و این ثروت را هم با معجزه به دست نمی‌آوردند، بلکه با کار و تلاش خودشان به دست می‌آوردند.

ثروتمند شدن بد نیست؛ بد برخورد کردن با ثروت بد است/ دولت اسلامی باید مقدمات ثروتمند شدن مردم را فراهم کند

- ثروتمند شدن بد نیست، بلکه بد برخورد کردن با ثروت بد است. دولت اسلامی باید مقدمات ثروتمند شدن مردم را فراهم کند، حتی نمی‌گوییم: «مقدمات رفاه را فراهم کند!» بلکه می‌گوییم مقدمات ثروتمند شدن را فراهم کند تا کسانی که به ثروت می‌رسند، بتوانند بذل و بخشش کنند. ما داریم درباره چیزی بالاتر از «رفاه» صحبت می‌کنیم، و الا می‌توان از راه‌های دیگری هم به «رفاه» رسید. مثلاً خیلی از ارباب‌ها، نوکران خودشان را مرفه نگه می‌دارند! ما نمی‌خواهیم نوکر مرفه باشیم؛ مثل این کسانی که در کشورهای غربی، خدمه کارتل‌ها و تراست‌های بزرگ صهیونیستی می‌شوند و آن اربابان صهیونیست هم این افراد را به عنوان کارمند، به خدمت می‌گیرند و از علم و دانش آنها استفاده می‌کنند و یک رفاهی هم برایشان تأمین می‌کنند. این کارمندان رفاه دارند ولی ثروت چندانی ندارند.

• نه تنها ثروتمند شدن بد نیست، بلکه خدا دوست دارد کسی که ثروت دارد، ثروت خودش را اظهار کند. این اخلاقی که بعضی‌ها دارند و سعی می‌کنند ثروتشان پنهان باشد، خیلی زشت است. (امام صادق(ع): إِذَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَى عَبْدِهِ بِنِعْمَةٍ فَظَهَرَتْ عَلَيْهِ سُمِّيَ حَيِّبَ اللَّهِ مُحَدَّثًا بِنِعْمَةِ اللَّهِ وَإِذَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَى عَبْدٍ بِنِعْمَةٍ فَلَمْ تَظْهَرْ عَلَيْهِ سُمِّيَ بَغِيضَ اللَّهِ مُكَذَّبًا بِنِعْمَةِ اللَّهِ؛ کافی/۴۳۸/۶) و (إِنِّي لَأَكْرَهُ لِلرَّجُلِ أَنْ يَكُونَ عَلَيْهِ نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ فَلَا يُظْهِرَهَا؛ کافی/۴۳۹/۶)

• **وقتی طلحه و زبیر طعنه زدن به علی(ع) را شروع کرده بودند، می‌گفتند: علی بن ابیطالب، مال و ثروت ندارد!** حضرت از اینکه به ایشان نسبت ناروا داده بودند، ناراحت شدند و به وکلای خودشان دستور دادند که درآمدهایی که دستشان هست را جمع کنند و بیاورند. آنها رفتند و اموال حضرت را جمع‌آوری کردند و انبوهی از پول و سکه (صدهزار درهم) جلوی حضرت ریختند. بعد حضرت فرمودند طلحه و زبیر را صدا بزنید. وقتی آنها آمدند حضرت به آنها فرمود: این اموالی که الان می‌بینید اینجا ریخته است، همه‌اش مال شخصی خودم است و کسی در آن سهمی ندارد. آنها وقتی داشتند از بیرون می‌رفتند، گفتند: **واقعاً علی(ع) عجب ثروتی دارد!** (بَلَّغَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ أَنْ طَلَحَةَ وَالزُّبَيْرَ يَقُولَانِ لَيْسَ لِعَلِيِّ مَالٌ قَالَ فَشَقَّ ذَلِكَ عَلَيْهِ، فَأَمَرَ وَكَلَاءَهُ أَنْ يَجْمَعُوا غَلَّتَهُ حَتَّى إِذَا خَالَ الْحَوْلُ أَتَوْهُ وَ قَدْ جَمَعُوا مِنْ ثَمَنِ الْعَلَّةِ مِائَةَ أَلْفِ دِرْهَمٍ... قَالَ فَخَرَجَا مِنْ عِنْدِهِ وَ هُمَا يَقُولَانِ إِنَّ لَهُ مَالًا؛ کافی/۴۴۰/۶)

• شما می‌دانید که حب‌الدنیا با این مسائل فرق می‌کند. امیرالمؤمنین(ع) عاشق شهادت بود و البته اهل کرم و بخشش هم بود. یکبار هم این سخن را نسبت به امام حسن مجتبی(ع) گفتند و ایشان هم ناراحت شدند و عکس‌العملی مشابه امیرالمؤمنین(ع) انجام دادند تا اثبات کنند که فقیر نیستند، بلکه ثروتمند هستند. (إِنَّ أَنَا بِالْمَدِينَةِ قَالُوا لَيْسَ لِلْحَسَنِ ع مَالٌ فَبَعَثَ الْحَسَنُ ع إِلَى رَجُلٍ بِالْمَدِينَةِ فَاسْتَفْرَضَ مِنْهُ أَلْفَ دِرْهَمٍ وَ أَرْسَلَ بِهَا إِلَى الْمُصَدِّقِ وَ قَالَ هَذِهِ صَدَقَةٌ مَالِنَا فَقَالُوا مَا بَعَثَ الْحَسَنُ ع بِهَذِهِ مِنْ تِلْقَاءِ نَفْسِهِ إِلَّا وَ لَهُ مَالٌ؛ کافی/۴۴۰/۶)

پاسخ امام صادق(ع) به کسی که به شیک‌پوشی حضرت اعتراض کرد / امام صادق(ع): شایسته‌ترین افراد برای بهره‌مندی از دنیا، خوبان هستند نه فجار

• یک کسی دید امام صادق(ع) لباس خوبی پوشیده است. آمد به امام(ع) گفت: «من دارم لباسی می‌بینم که در شأن شما نیست! چرا این لباس را پوشیده‌اید؟ این لباس لباس شما نیست؛ دَخَلَ سُفْيَانُ الثَّوْرِيُّ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فَرَأَى عَلَيْهِ ثِيَابَ بَيْضٍ كَأَنَّهَا غِرْقِيُّ الْبَيْضِ فَقَالَ لَهُ إِنَّ هَذَا اللَّبَاسَ لَيْسَ مِنْ لِبَاسِكَ» (کافی/۶۵/۵) حضرت به او فرمود: «گوش کن و آن چیزی که به تو می‌گویم را حفظ کن. این برای همیشه تو به‌درد می‌خورد. من نمی‌خواهم تو بر دین انحرافی و بدعت‌گذاشته‌شده بمیری، می‌خواهم دین تو درست باشد؛ فَقَالَ لَهُ اسْمِعْ مِنِّي وَ ع مَا أَقُولُ لَكَ فَإِنَّهُ خَيْرٌ لَكَ عَاجِلًا وَ آجِلًا إِنَّ أَنْتَ مِتَّ عَلَى السُّنَّةِ وَ الْحَقُّ وَ لَمْ تَمُتْ عَلَى بِدْعَةٍ» (همان)

• دقت کنید که آن شخص به شیک‌پوشی امام صادق(ع) اعتراض کرده بود، ولی حضرت به سراغ دین او رفتند و فرمودند نمی‌خواهم تو بر دینی که با بدعت همراه است بمیری! و بعد توضیح دادند و فرمودند: «پیامبر اکرم(ص) در یک زمانی که فقر و فلاکت و قحطی در جامعه بود، زندگی کرد اما وقتی که دنیا اقبال کند و مردم در ثروت باشند، بهترین کسانی که خوب است این ثروت را

داشته باشند، آدم‌های خوب هستند نه فجار و آدم‌های بد؛ أَخْبِرَكَ أَنْ رَسُولَ اللَّهِ ص كَانَ فِي زَمَانٍ مُقْفِرٍ جَدِبَ فَأَمَّا إِذَا أَقْبَلَتِ الدُّنْيَا فَآخَقُ أَهْلِهَا بِهَا أَبْرَارُهَا لَا فُجَّارُهَا وَ مُؤْمِنُهَا لَا مُنَافِقُوهَا وَ مُسْلِمُهَا لَا كُفَّارُهَا» (همان)

- بعد حضرت به او فرمود: «به خدا قسم این اموالی که من دارم، صبح و شام در مورد اوامری که خدا به من داشته-برای انفاق و صدقه و زکات- یک ذره هم کم نگذاشته‌ام و همه دستورات خدا را اجرا کرده‌ام و این اموال را هم دارم(یعنی چیزی از حق خدا یا از اموال مردم در اموال من نیست)؛ فَمَا أَنْكَرْتَ يَا ثَوْرِي فَوَ اللَّهُ إِنِّي لَمَعَ مَا تَرَى مَا آتَى عَلَيَّ مَذَّ عَقَلْتُ صَبَاحُ وَ لَا مَسَاءُ وَ لِلَّهِ فِي مَالِي حَقٌّ أَمْرِي أَنْ أَضَعَهُ مَوْضِعًا إِلَّا وَضَعْتُهُ» (همان)

### پاسخ امام حسن(ع) به یهودی فقیری که به وضع مالی خوب حضرت اعتراض کرد / دنیای بهتر زندان مؤمن است، چون آخرت خیلی بهتر است

- امام حسن مجتبی(ع) داشتند عبور می‌کردند. یک مرد یهودی که فقیر و درمانده و ژنده‌پوش بود، ایشان را در راه دید. از حضرت تقاضا کرد که «تو را به خدا بایستید، من می‌خواهم با شما صحبت کنم» حضرت ایستادند. او گفت: «شما به من انصاف بده؛ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَنْصِفْنِي؛ حضرت فرمود: در چه چیزی انصاف بدهم؛ فی أَى شَيْءٍ؛ او گفت: جدّ تو(رسول خدا(ص)) می‌گفت: دنیا زندان مؤمن است و بهشت کافر است و تو مؤمن هستی و من کافر هستم، آن وقت الان شما وضع خودت را ببین و وضع مرا هم ببین! آیا این الان زندان شماست و آیا این بهشت من است؟! فَقَالَ جَدُّكَ يَقُولُ الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَ جَنَّةُ الْكَافِرِ وَ أَنْتَ مُؤْمِنٌ وَ أَنَا كَافِرٌ فَمَا أَرَى الدُّنْيَا إِلَّا جَنَّةً لَكَ تَتَنَعَّمُ بِهَا وَ تَسْتَلِدُّ فِيهَا وَ مَا أَرَاهَا إِلَّا سِجْنًا لِي قَدْ أَهْلَكَنِي ضُرُّهَا وَ أَتَلَفَنِي فَقْرُهَا» (کشف الغمه/ ۱/ ۵۴۵)
- امام حسن(ع) بعد از شنیدن سخن آن پیر مرد فقیر یهودی به ایشان توضیح دادند و فرمودند: «ای پیرمرد، اگر تو می‌توانستی چشم خودت را باز کنی و آخرت ما را ببینی که خدا برای ما در آخرت چه چیزی مهیا کرده است، می‌دیدى که من با این وضع خوبم، الان در دنیا نسبت به بهشت، در زندان هستیم؛ يَا شَيْخُ لَوْ نَظَرْتَ إِلَى مَا أَعَدَّ اللَّهُ لِي وَ لِلْمُؤْمِنِينَ فِي الدَّارِ الْآخِرَةِ مِمَّا لَا عَيْنٌ رَأَتْ وَ لَا أُذُنٌ سَمِعَتْ لَعَلِمْتَ أَنِّي قَبْلَ أَنْتِقَالِي إِلَيْهِ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا فِي سِجْنٍ ضَنْكٍ» (همان)
- این جواب حضرت معنایش این است که مؤمن بنا نیست در این دنیا با بدبختی زندگی کند، و کسی هم حق ندارد مؤمن را بدبخت کند، و اگر کسی خواست این کار را انجام دهد، باید با او مقابله کرد. البته ما نمی‌خواهیم مودبانه و با زرنگ‌بازی یا حقه‌بازی به سراغ دنیا برویم، بلکه ما می‌خواهیم با تلاش و مبارزه و درگیری به سراغ دنیا برویم.
- حضرت در ادامه کلام خود فرمود: و تو اگر می‌توانستی ببینی که چه جهنمی در انتظار تو و هر کافری است، می‌فهمیدی که الان در همین فقر و فلاکتی که در آن به سر می‌بری، نسبت به آن، برای تو مثل بهشت است؛ وَ لَوْ نَظَرْتَ إِلَى مَا أَعَدَّ اللَّهُ لَكَ وَ لِكُلِّ كَافِرٍ فِي الدَّارِ الْآخِرَةِ مِنْ سَعِيرٍ نَارِ الْجَحِيمِ وَ نَكَالِ عَذَابِ الْمُقِيمِ لَرَأَيْتَ أَنَّكَ قَبْلَ مَصِيرِكَ إِلَيْهِ الْآنَ فِي جَنَّةٍ وَاسِعَةٍ وَ نِعْمَةٍ جَامِعَةٍ» (همان) البته در یک نقل دیگری هم هست که امام حسن(ع) از اسب پیاده شدند و اسب گرانبهایی که داشتند را به آن پیرمرد یهودی بخشیدند و گفتند: اگر فکر می‌کنی با این اسب، دنیا برای من بهشت شده است، این اسب برای تو باشد تا دنیا برایت بهشت بشود.



## امام حسن(ع) با وجود زندگی خوب، دچار دنیازدگی نشد

- دوستان دقت کنند که این داستان مربوط به زمانی است که وضع زندگی مردم مدینه خوب بود(مانند گذشته نبود که عموم مردم وضع معیشتی نامناسبی داشته باشند) البته با این حال اگر امام حسن(ع) رییس جامعه بودند، سطح زندگی خودشان را در سطح پایین ترین افراد جامعه قرار می دادند(مانند امیرالمؤمنین(ع) در دوران خلافت شان) ضمن اینکه امام حسن(ع) که وضع مالی خوبی داشتند، بسیار اهل بذل و بخشش بودند به حدی که سه مرتبه کل اموال خود را نصف کردند و نصف آن را در راه خدا انفاق کردند(إِنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ قَاسَمَ رَبَّهُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ حَتَّى نَعَلًا وَ نَعْلًا وَ ثُوبًا وَ ثُوبًا وَ دِينَارًا وَ دِينَارًا؛ تهذیب الاحکام/۱۱/۵) و مشهور بود که ایشان سفره دار مدینه بودند، در خانه ایشان به روی مردم باز بود. هر کسی به مدینه می آمد و غریب بود، می توانست به خانه حضرت برود و از او پذیرایی می شد.
- امام حسن مجتبی(ع) در عین حالی که در ناز و نعمت به سر می برد، بیست مرتبه با پای پیاده و گاهی با پای برهنه، برای زیارت به خانه کعبه مشرف شدند.(إِنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ... وَ حَجَّ عِشْرِينَ حَجَّةً مَاشِياً عَلَى قَدَمَيْهِ؛ تهذیب الاحکام/۱۱/۵) یعنی به هیچ وجه ایشان دچار دنیازدگی نشدند، و این طور نبود که وقتی به رفاه رسیدند، دیگر نتوانند خاکی باشند. ایشان در کنار فقرا روی زمین می نشستند و با آنها غذا می خوردند.

## آدم بی ظرفیت وقتی به ثروت برسد، بی دین می شود / آدم شریف وقتی به ثروت برسد، پاک تر می شود

- بعضی ها آن قدر نوکیسه هستند که وقتی مُدل ماشین شان کمی بالا می رود، دیگر جواب سلام دیگران را هم نمی دهند! خُب اینها آدم های بی ظرفیتی هستند؛ اینکه خاصیت ثروت نیست؛ برخی نیز هستند که وقتی یک مدتی دائماً سر صف اول نماز جماعت حاضر می شوند، دیگر کسی را آدم حساب نمی کنند! بالاخره بی ظرفیتی در همه جا هست، و انسان باید مراقب باشد که دچار آفت های ثروت نشود.
- آدم پست فطرت وقتی به ثروت برسد، بی دین می شود. ولی آدم شریف وقتی به ثروت برسد، پاک تر می شود. همچنان که آدم شریف اگر فقیر بشود، پاک می شود و رابطه او با خدا از بین نمی رود؛ بلکه قشنگ تر می شود. ولی آدمی که شریف نباشد و دچار فقر شود، کینه ای و عقده ای می شود. ما باید آن شرافت خودمان را حفظ کنیم و آن وقت تلاش خودمان را هم انجام دهیم و این را وظیفه دینی خودمان بدانیم؛ حالا اگر خدا خواست به ما روزی بدهد، با این ثروت می توانیم در راه خدا خدمت کنیم و بذل و بخشش کنیم. و اگر هم خدا برای ما فقر را مقدر کرد، با لبخند رضایت بپذیریم و خدا را شکر کنیم و بگوییم: خدایا! حتماً این فقری که برای ما پسندیده ای، به صلاح ما بوده است.
- وقتی مؤمنین به تولید ثروت و مهمتر از آن به تولید کار و تحمل مشقت و مبارزه برای تأمین معیشت تشویق نشوند، نتیجه اش این می شود که دنیا به دست کلاهبردارها می افتد.

## اگر کسی مبارزه و جهاد را ترک کند دچار ذلت و فقر خواهد شد

- پیامبر گرامی اسلام(ص) فرمودند: هر کس در جایی که وظیفه اش این است که بجنگد- جنگیدن را کنار بگذارد، خدا یک خواری و ذلتی در نفسش قرار می دهد(یعنی آدم حقیر و بدبختی خواهد شد) خدا در زندگی او را فقیر خواهد کرد، و دینش را محو خواهد کرد؛ فَمَنْ تَرَكَ الْجِهَادَ أَلْبَسَهُ اللَّهُ ذُلًّا فِي نَفْسِهِ وَ فَقْرًا فِي مَعِيشَتِهِ وَ مَحَقًّا فِي دِينِهِ(امالی صدوق/۵۷۷)

• حضرت در ادامه می‌فرماید: «خدا این امت اسلامی را عزت بخشیده است به سم اسب‌های‌شان(امروزه می‌توان گفت: به شنی تانک‌های‌شان) و به نوک تیز نیزه‌های‌شان(امروزه می‌توان گفت: به موشک‌های‌شان)؛ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَعَزُّ أُمَّتِي بِسَنَابِكِ خَيْلِهَا وَ مَرَاكِبِ رِمَاحِهَا»(همان) اینکه بعضی‌ها می‌گویند: «عزت ما با موشک‌های‌مان نیست» لابد شوخی می‌کنند، و الا این سخن رسول خدا(ص) که دروغ نمی‌شود! اگر این آمادگی و توان را نداشته باشیم، دشمنان ما زندگی ما را از بین می‌برند.

### اگر دشمنان بخواهند زندگی ما را تلخ کنند، نابودشان می‌کنیم / انقلابی‌گری یعنی دفاع از زندگی

- چرا این دشمنان ما اصرار دارند که مراکز نظامی ما را ببینند؟ از بس که ترسو هستند، می‌خواهند همین که مطمئن شدند ما چیزی نداریم، بمباران و حملات خودشان را شروع کنند. این کارها از روی ترس و وحشت آنهاست. مگر عراق چه داشت؟ آنها تا نیامدند و همهٔ مخزن‌ها و معادن‌شان را بازرسی نکردند، حمله را شروع نکردند. این قدر ترسو هستند! با اینکه چندین سال، تمام اطلاعات مراکز مختلف عراق در دست‌شان بود، ولی آن قدر ترسو و بیچاره هستند که تا وقتی همهٔ مخفیگاه‌های آنجا را دوباره نگشتند، سربازهای خودشان را وارد عراق نکردند. در مورد لیبی هم همین کار را کردند، یعنی اول گشتند و بازدید کردند، بعداً حمله کردند. آیا ما در مقابل اینها باید کوتاه بیاییم؟! اینها تا این حد بدبخت و ترسو هستند. فقط کافی است که ما انبارهای خودمان را لو ندهیم.
- کسی که بر حق است قدرتمند است. اما وای به حال کسی که حق با اوست و قدرت لایزال الهی پشت او قرار دارد، اما بخواهد از حق خودش و از زندگی خودش کوتاه بیاید. در مورد مسألهٔ هسته‌ای هم بحث زندگی مطرح است، نه بحث انقلابی‌گری و آرمان‌گرایی. البته بعضی‌ها می‌خواهند در این مملکت جنگ «انقلابی‌گری در مقابل واقع‌گرایی» یا «جنگ میان زندگی و زندگی» راه بیان‌دازند و بگویند: «یک‌عده‌ای دنبال آرمان‌های الهی هستند و یک‌عده‌ای هم دنبال زندگی هستند و ما دنبال زندگی هستیم!» این جنگی که می‌خواهند راه بیندازند کاملاً بی‌معناست. اتفاقاً انقلابیون بیشتر دنبال زندگی هستند. اتفاقاً بحث ما هم بر سر زندگی است، کسی حق ندارد زندگی ما را تلخ کند. اگر آنها بخواهند زندگی ما را تلخ کند، نابودشان می‌کنیم؛ این سخن انقلابی‌ماست.
- **ما پشت ادبیات دوران مظلومیت انقلاب گیر نکرده‌ایم! دوران مظلومیت انقلاب گذشته و دوران اقتدار انقلاب و اسلام فرارسیده است. اگر آنها بخواهند به تفریح‌گاه‌های ما هم بمب بزنند، ما نابودشان می‌کنیم. ما زندگی را دوست داریم، چه کسی گفته است که مؤمنین و انقلابیون اهل زندگی نیستند؟! انقلابی‌گری یعنی دفاع از زندگی. طبق روایت، اگر من در وقت لازم جهاد نکنم، خدا مرا فقیر خواهد کرد و جدای از فقر، به من ذلت خواهد داد.**

